

نقش جنسیت مؤنث در ارتکاب و پیشگیری از جرایم جنسی

سید حسین حسینی* - صادق صفری**

(تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۷)

چکیده

بر اساس یافته‌های جرم‌شناسی در فرایند فعلیت یافتن قصد مجرمانه، عوامل مختلفی نقش ایفا می‌کنند. ویژگی‌های خاص زیستی، روانی و اجتماعی بزه‌دیدگان به عنوان یکی از این عوامل، همواره در محاسبات مجرمان برای ارتکاب جرم و شکل‌گیری وضعیت‌های پیش‌جنایی اهمیت زیادی دارد. در این راستا برخی افراد نظیر زنان به لحاظ ویژگی‌های ذاتی خود اهداف مناسب و مطلوبی برای بزه‌کاران محسوب شده و بیش از سایرین، مستعد و در معرض بزه‌دیدگی می‌باشند. ولیکن صرف نظر از اینکه معمولاً زنان به عنوان "بزه‌دیدگان مستعد" یا "بزه‌دیدگان بالقوه آسیب‌پذیر" شناخته می‌شوند؛ اگر چگونگی تکوین اوضاعی که منجر به ارتکاب عمل مجرمانه شده است را نیز بررسی نماییم، با بزه‌دیده‌ای روبرو خواهیم شد که با برخی از اعمال و رفتارهای خود به طور ضمنی در وقوع جرم نقش عمده‌ای دارد. این در حالی است که زنان به مثابه نقشی که در تکوین و ارتکاب برخی جرایم نظیر جرایم جنسی دارند، با رعایت برخی مسائل می‌توانند در پیشگیری از وقوع بسیاری از این جرایم نیز نقش داشته باشند. نگارندگان در این مقاله در پی آن هستند طی دو بخش مجزا بیان کنند، زنان چگونه با رفتار و اعمال خود، در ارتکاب و پیشگیری از فرایند بزه‌دیدگی در جرایم جنسی نقش دارند.

واژگان کلیدی: بزه‌دیدگی، بزه‌دیدگی زنان، جرایم جنسی، پیشگیری از جرایم جنسی.

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

جنسیت و روابط جنسی برای بقای موجودات زنده‌ای که از دو جنس مخالف می‌باشند، از جمله مظاهر اصلی و ارکان تعریف حیات به‌شمار می‌رود (کی‌نیا، ۱۳۷۶: ۵۸۱). از این رو یکی از کهن‌ترین و با سابقه‌ترین انواع انحرافات بشری و کجروی‌های موجود در جوامع بشری پدیده «انحرافات جنسی»^۱ و «جرائم جنسی»^۲ می‌باشد. قدمت تاریخی انحرافات جنسی با قدمت پیدایش موجود زنده برابر است. به طوری که در قانون حمورابی، برخی از انحرافات جنسی همچون زنا ساده و زنا با محارم جرم‌انگاری شده بود. همچنین در قوانین هیتی‌ها،^۳ آشوری‌ها،^۴ یونان قدیم^۵ و ایران باستان^۶ نمونه‌هایی از انحرافات و جرائم جنسی مورد توجه قرار گرفته بود (نجفی ابرندآبادی و بادامچی، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۰). جرائم جنسی از جمله جرائم مورد اهتمام جامعه جهانی و جرایم مهم می‌باشند. ضرورت و اهمیت تحقیق در حوزه جرائم جنسی و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری و مقابله با این جرائم زمانی بیشتر مشخص می‌شود که به پیامدهای وخیم آن به اجتماعات بشری توجه کنیم. جرائم جنسی آثار اجتماعی بسیار منفی و حتی آسیب‌های روانی و فرهنگی بسیار بالایی داشته و منجر به فساد و بی‌بند و باری در جوامع می‌گردد. در این زمینه با توجه به اینکه کشور ما از نظر ساختار جمعیتی جزء یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان می‌باشد و از طرفی جرائم جنسی یک معضل اساسی برای جوانان محسوب می‌شود؛ لذا برای جلوگیری از تشدید این آسیب‌ها، ضرورت پیشگیری از چنین جرایمی برای مقابله با این معضل احساس می‌شود.

در حال حاضر گسترش انحرافات و جرائم جنسی در کشورهای مختلف، موجی از نگرانی در میان صاحبان اندیشه را برانگیخته است. این وضعیت سبب شده تا حوزه‌های متفاوت معرفت، در گذشته و حال، مطالعه این پدیده را به هر شکل، در دستور کار خود قرار دهند و بخشی از توجه خود را به فهم، تبیین و ارائه راه حل مناسب جهت مقابله به آن اختصاص دهند. نتیجه آنکه در هر یک از حوزه‌های متعدد^۷ تحقیقی، دست کم در حد یک نظریه در باب

1. Sexual perversion

2. Sexual offences

۳. در این قوم انحرافات همچون نزدیکی با حیوانات و زنا با محارم جرم دانسته شده و دارای کیفرهای سنگینی بود.
۴. در این قوم برخی انحرافات جنسی مانند همجنس‌بازی و زنا با علف مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است.
۵. در یونان قدیم همجنس‌بازی بین مردان به قدری رایج بود که در افسانه و آثار ادبی و هنری آن کشور رسوخ کرده و حتی در آداب دینی و مذهبی آنان نیز راه یافته بود (ولیدی، ۱۳۸۶: ۳۸).
۶. در ایران باستان نیز میل به همجنس‌بازی (اعم از زنان و مردان) در دربار پادشاهان رایج بوده است؛ زیرا عده زیادی زن عقده‌ی، کنیز و غلام در آنجا حضور داشتند که برقراری رابطه با جنس مخالف برایشان امکان‌پذیر نبود.
۷. حوزه‌هایی همچون زیست‌شناسی، ژنتیک، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، جرم‌شناسی، تعلیم و تربیت، مطالعات فرهنگی، پزشکی قانونی و....

انحراف و کجروی ارائه شده است.

در خصوص بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی، یافته‌های علوم جنایی حاکی از آن است که این جرایم، بعد از جرایم خشونت‌آمیز، بالاترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد. جرایم جنسی بویژه تجاوز به عنف در طول تاریخ همواره به عنوان یکی از بدترین و تأسف‌بارترین جرایم تلقی شده است که در آن علاوه بر خسارات متعددی که به بار می‌آورد، به شأن و کرامت انسانی نیز توهینی عظیم صورت می‌گیرد. نمونه بارز این دسته از جرایم، تجاوز به عنف است. جرایم جنسی یا به طور مستقل صورت می‌گیرد و یا حین ارتکاب جرایم دیگری مثل سرقت و ورود به عنف به منزل دیگری اتفاق می‌افتد. در اکثر قریب به اتفاق موارد، با به کارگیری زور و خشونت همراه است و گاه با قتل یا ایراد شدید جسمانی به زن توأم می‌شود (داوودی، ۱۳۸۸: ۹۷). در جرایم جنسی برخی از زنان به عنوان یکی از طرفین عمل مجرمانه با انجام اعمال تسهیل‌کننده مانند تحریک، وسوسه، و اغوای مردان و یا با سبک‌زندگی و نوع خاصی از فعالیت‌های روزانه، بعضاً نقش مؤثری در تکوین جرایم جنسی دارند و باعث تسریع فرآیند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه می‌گردند. این در حالی است که همین بزه‌دیدگان با رعایت برخی مسائل و نکات می‌توانند نقش عمده‌ای در پیشگیری از وقوع بسیاری از این جرایم داشته باشند.

بدین سان پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به دو سؤال عمده و اساسی است. اولاً اینکه صرف نظر از ویژگی‌های ذاتی زنان که آنها را به بزه‌دیدگان بالقوه آسیب‌پذیرتر تبدیل کرده است، چگونه زنان می‌توانند در ارتکاب و تکوین جرایم جنسی نقش داشته باشند؟ ثانیاً زنان در پیشگیری از وقوع جرایم جنسی چه نقشی دارند؟ برای این منظور نگارندگان پژوهش حاضر را به دو بخش تقسیم کرده که در بخش نخست به نقش زنان در ارتکاب و تکوین جرم جنسی و در بخش دوم به نقش زنان در پیشگیری از جرایم جنسی پرداخته‌اند. شایان ذکر است این پژوهش بر مبنای روش تحقیق «توصیفی-تحلیلی» تدوین شده که گردآوری مطالب در این نوشتار به صورت کتابخانه‌ای بوده و مبتنی بر شواهد بر گرفته از مطالعه اسناد، کتب، مدارک و تحقیقات به عمل آمده در خصوص بزه‌دیدگی زنان می‌باشد.

۱) نقش جنسیت مؤنث در ارتکاب جرایم جنسی

اصولاً بزهکاران بالقوه در انتخاب قربانیان خود، افرادی را در نظر می‌گیرند که برایشان زحمت کمتری داشته باشد. بزهکاران پیش از ارتکاب جرم، ریسک ارتکاب جرم را با مقایسه

میزان مجازات احتمالی که در صورت کشف جرم و تعقیب، باید تحمل کند و سود حاصل از آن مشخص می‌کنند (دادبان و آقای، ۱۳۸۸: ۱۳۰ - ۱۳۱). در حال حاضر بزه‌دیده به عنوان یکی از کنشگران فعل مجرمانه محسوب می‌شود که امروزه مورد توجه نظام‌های کیفری جوامع مختلف قرار گرفته است. لذا در این راستا علم نوین بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده را یکی از ارکان وضعیت پیش‌جنایی می‌داند که در مسیر تکوین جرم نقشی مؤثر ایفا می‌کند و برخی عوامل نظیر هم‌جواری و نزدیکی،^۱ قابلیت دسترسی،^۲ جذابیت بزه‌دیده،^۳ قابلیت کنترل،^۴ ارتباط میان بزه‌دیده و بزه‌کار،^۵ میزان خطر،^۶ به طور خاص در بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی مؤثر است (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳: ۹۱). در این قسمت نگارندگان بر مبنای نظریات جرم‌شناسی سعی در بیان نقش زنان در ارتکاب جرایم جنسی دارند.

۱-۱) زنان به عنوان بزه‌دیده تسریع کننده بزه‌دیدگی در جرایم جنسی^۷

در برخی موارد اگر چگونگی تکوین اوضاعی که منجر به ارتکاب عمل مجرمانه شده است را بررسی نمایم، با بزه‌دیده‌ای روبرو خواهیم شد که به طور ضمنی در وقوع جرم رضایت داشته، همکاری کرده و یا مرتکب را تشویق و تحریک کرده است. بدین ترتیب بزه‌دیده یکی از عوامل علی جرم می‌باشد. بنیامین مندلسون و هنتینگ از طراحان نظریه «شتاب‌دهندگی بزه‌دیدگی»^۸ هستند. در واقع در نظر مندلسون نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده، یکی از کیفیات تخفیف‌دهنده کیفر بزه‌کار است (رایجیان اصلی، ج ۱، ۱۳۹۰: ۳۷). به اعتقاد هنتینگ، در برخی موارد روشن نیست چه کسی در یک واقعه مجرمانه فاعل و چه کسی مفعول است و در برخی موارد نیز بزه‌دیده نهایی ممکن است عملی را که منجر به بزه‌دیدگی او شده را تسهیل کرده و بر آن تأثیرگذار باشد. مثلاً بزه‌دیده با گفتار خود، بزه‌کار یا قربانی کننده را در ارتکاب جرم تحریک نموده باشد (ویلیامز، ۱۳۸۴: ۴۰۸).

1. Proximity
2. Accessibility
3. Attractive
4. Manageability
5. Relationship
6. Scale of Risk
- 7.- Victim precipitation

۸ طبق این نظریه، زنان به دلیل شماری از عوامل شتاب‌دهنده از قبیل: رفتار آنان، تعاملات شیوه زندگی و رفت‌وآمد به خصوص در مکان‌هایی که انحراف و اعمال مجرمانه در آن رونق دارد، حرکات و گفتار تحریک‌آمیز، پوشش تحریک‌کننده و ارتباط‌های صمیمی با مردان، بزه‌دیده جنسی می‌شوند. این نظریه به طور غیرمستقیم اشاره به تفسیر یا قصور بزه‌دیده در فرآیند بزه‌دیدگی خویش دارد. از این رو، تجلی اصلی این رهیافت را می‌توان در آموزه‌های اولیه دانش بزه‌دیده‌شناسی یعنی، بزه‌دیده‌شناسی نخستین مشاهده نمود.

در خصوص نقش رفتار و اعمال بزه‌دیده در فرایند تعیین کیفری نیز مطابق حقوق ایران، اگرچه برای بزه‌دیده که در ارتکاب جرم دخیل است، شاید نتوان تعیین کیفر کرد، ولی می‌توان حداقل در مجازات بزه‌کار قائل به بهره‌مندی از تخفیف شد. به عبارت دیگر رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده، می‌تواند مرتکب را در آستانه برخورداری از تخفیف^۱ قرار دهد (جوان‌جعفری و شاهیده، ۱۳۹۲: ۱۵۲). نقش بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران در قوانین قبل و پس از انقلاب اسلامی در مواردی از موجبات اعطای تخفیف مجازات برای بزه‌کار می‌باشد. نمونه بارز آن در حال حاضر بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد^۲ که رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده را از یکی از مواردی دانسته است که بزه‌کار بواسطه آن می‌تواند از تخفیف مجازات بهره‌مند شود.

شایان ذکر است در خصوص ارتباط شتاب‌دهندگی و تحریک باید گفت که این دو اصطلاحاتی مشابه و در عین حال متمایز هستند. شتاب‌دهندگی بزه‌دیده، اصطلاحی از علوم اجتماعی است که اشاره به اعمالی دارد که بزه‌کار را برای بزه‌دیدگی خویش برمی‌انگیزند. اما تحریک توسط بزه‌دیده اصطلاحی قانونی است که توسط دادگاه‌های کیفری استفاده می‌شود و به طور کلی به میزان مسئولیت کیفری بزه‌دیده بواسطه تحریک بزه‌کار اشاره دارد. همچنین، شتاب‌دهندگی بزه‌دیده به طور ضمنی بیانگر آن است که بزه‌دیده با عمل خود سبب ارتکاب جرم توسط دیگری یا سرعت بخشیدن به ارتکاب آن می‌شود، اما الزاماً متضمن سرزنش بزه‌دیده نیست.

۲-۱) زنان به عنوان بزه‌دیده مقصر در جرایم جنسی

اصولاً مسئولیت کیفری مبتنی بر آزادی اراده و قوه تشخیص و تعقل انسان است، و هر وضعیتی که موجب محدود و یا خدشه‌دار شدن اراده یا قوه تمییز فرد شود، بر مسئولیت وی تأثیر می‌گذارد. انسان در شرایط عادی افعال خود را بر اساس انتخاب آگاهانه و آزادانه انجام می‌دهد، یعنی حداقل فرض بر این است که فرد ابتدا تفکر کرده، آن‌گاه با آزادی اراده انجام یا ترک عمل را برمی‌گزیند. اما گاهی بر اثر تحریکات وارد شده، وضعیتی در فرد پدید می‌آید که قدرت کنترل اعمال و رفتار را به صورت مطلق یا نسبی از دست می‌دهد و اعمالی را

۱. این موضوع در جرایم تعزیری به صورت وسیع‌تر و در سایر جرایم موجب حد، قصاص و دیات زبه صورت محدودتر پذیرفته شده است

۲. این بند چنین اشعار می‌دارد: «اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم»

انجام می‌دهد که اگر در شرایط عادی قرار داشت هرگز مرتکب نمی‌شد. مندلسون^۱ به عنوان یکی از کسانی که برای نخستین بار از اصطلاح «بزه‌دیده» استفاده کرد، در راستای تحقیقاتش روابط بین بزه‌دیده با بزه‌کار و بزه را بررسی کرده و پنج نوع بزه‌دیده را دسته‌بندی می‌کند، که عبارتند از: بزه‌دیده کاملاً بی‌گناه؛^۲ بزه‌دیده با حداقل تقصیر؛^۳ بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه همسان با مجرم؛^۴ بزه‌دیده‌ای که بیش از بزه‌کار مقصر است؛^۵ بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه تام^۶ (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۳). در این تقسیم‌بندی، مندلسون در دسته چهارم به بزه‌دیده‌ای اشاره دارد که بیش از بزه‌کار مقصر است و به عنوان یک عامل محرک و تسهیل‌کننده موجبات تحقق جرم علیه خودش را فراهم می‌کند. در این راستا، مردان نیز ممکن است برای توجیه رفتار خود زنان را علت و زمینه بروز جرم بدانند و حتی بعضاً ادعا نمایند زنان به دلیل وضعیت ظاهری یا شخصیت مجرمانه شایسته آزار و اذیت بوده‌اند.

پیامدی که این دیدگاه در جامعه ایجاد می‌کند، جز تحقیر زن، کوچک‌شمردن و انزوای وی نیست. در بسیاری از موارد به وضوح مشاهده می‌شود چنانچه شاکی زن باشد ممکن است در پی شکایت، خود با انواعی از اتهامات جدید مبنی بر اینکه خودت بواسطه عدم رعایت پوشش و پوشش مناسب مقصر هستی، مواجه می‌شود (دانشورثانی و انوری کاظم‌آباد، ۱۳۹۳: ۱۸). این موضوع در برخی تحقیقات میدانی به عمل آمده در این زمینه نوع پوشش زنان به عنوان یکی از عوامل اصلی در بزه‌دیدگی زنان معرفی شده است. به عنوان نمونه در یکی از این تحقیقات، قاپیدن کیف در بین زنانی که پوشش آنها مانتو و روسری است، تعقیب شدن و متلک شنیدن و تنه خوردن در بین زنانی که پوشش آنها مانتو و روسری با آرایش بوده از انواع دیگر پوشش‌ها بیشتر است (فاضلیان، ۱۳۸۹: ۸۲). همچنین در تحقیق مشابه دیگری از میان مصاحبه شونده‌گان، ۷۷/۵ درصد بدحجابی را موجب آسیب‌رسانی به امنیت اخلاقی جامعه و ۵۴/۲ درصد نیز بدحجابی را عامل جرائم اخلاقی و ۷۸/۹ درصد بدحجابی را عامل مزاحمت برای بانوان تلقی می‌کنند (کرامتی، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۶). اما نگارندگان معتقدند مسلماً به طور

1. Mendelson

۲. این دسته را بزه‌دیده ناآگاه یا ایده‌آل هم می‌گویند مانند کودک بزه‌دیده.
۳. این دسته به عنوان بزه‌دیده ناشی از جهل نیز شناخته می‌شوند. مانند زنی که با توسل به وسایل تجربی، موجبات یک زایمان ناقص را فراهم می‌آورد و با از دست رفتن جانش، سزای جهل و نادانی خود را می‌بیند.
۴. این نوع بزه‌دیده، آگاه و مختار است. مانند بزه‌دیده‌ای که به یک بیماری لاعلاج مبتلاست و نمی‌تواند دردها را تحمل کند، بنابراین به اطرافیان خود التماس می‌کند که به زندگی‌اش پایان دهند.
۵. این نوع بزه‌دیده مانند بزه‌دیده محرک است که با رفتار خود مجرم را به ارتکاب جرم تحریک می‌کند.
۶. مانند بزه‌دیده‌ای که خود به دیگری هجوم می‌برد و متهم در حالت دفاع مشروع از خود دفاع کرده و وی را به قتل می‌رساند.

قاطع نمی‌توان وقوع برخی نابهنجاری‌ها را همیشه به رفتار و اعمال تحریک آمیز زنان به عنوان بزه‌دیده نسبت داد، چرا که شاید در برخی موارد شاهد آن باشیم که علیرغم اینکه زنی در رعایت حجاب کوتاهی نکرده است باز هم در معرض بزه‌دیده واقع شدن در برخی جرایم خاص جنسی یا مزاحمت‌های خیابانی می‌باشد. لذا تحلیل این موضوع به صورت تک بعدی نمی‌تواند خیلی بر واقعیت منطبق باشد.

۳-۱) زنان به عنوان بزه‌دیده قابل سرزنش^۱ در جرایم جنسی

اصولاً بزه‌دیدگان از این حیث که در فرآیند ارتکاب جرم می‌توانند نقش تسهیل کننده داشته باشند به دو دسته تقسیم می‌شوند که در این میان کریستی^۲، با تشریح این موضوع، بزه‌دیدگان را به دو دسته تقسیم می‌کند. دسته اول: بزه‌دیده غیرقابل سرزنش یا ایده‌آل^۳ که اشخاصی هستند که در پی ضربه خوردن از جرم، وضعیت بزه‌دیده بودن را به سادگی می‌پذیرند. این بزه‌دیدگان افرادی ناتوان، آسیب‌پذیر و بی‌گناه شمرده می‌شوند و نه تنها قابل سرزنش نیستند، بلکه شایسته و نیازمند کمک و مراقبت هستند. مانند زن سالمند یا کودک بزه‌دیده، یا زنی که در مقابل خشونت خانگی به یک آزاردیده مزمن تبدیل شده است. دسته دوم بزه‌دیده قابل سرزنش یا غیرایده‌آل^۴ هستند. این دسته از بزه‌دیدگان که در مقابل دسته قبل با رفتار و اعمالی که از خود بروز داده‌اند به نوعی مستحق سرزنش هستند. همانند مالک اتومبیلی که خودروی خود را قفل نکرده و در نتیجه به سرقت رفته است یا دختری که شب هنگام با پذیرفتن پیشنهاد همراهی یک جوان غریبه، سوار اتومبیل او می‌شود و در نتیجه مورد آزار قرار می‌گیرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۸۷). در واقع این نوع از بزه‌دیدگان به علت اینکه در وقوع جرم همانند یک عامل محرک و تسهیل کننده عمل کرده‌اند، به عنوان بزه‌دیده قابل سرزنش شناخته می‌شوند.

مهمترین تأثیر سرزنش بزه‌دیدگان، پیامدهای آن در گزارش جرایمی است که در آینده در مورد او رخ می‌دهد. بزه‌دیدگانی که پاسخ‌های منفی دریافت می‌کنند و سرزنش می‌شوند کمتر تمایل دارند تا جرایم بعدی را گزارش نمایند (George & Martinez, 2002: 110-119). بدین ترتیب، این دسته از افراد، ترجیح می‌دهند تا از بیان بزه‌دیدگی ثانوی^۵ در آینده پرهیز

1. Victim blaming.

2. Christie

3. Ideal Victim

4. Non-ideal Victim

۵. در بسیاری از موارد شخصی که یک بار مورد تهاجم واقع شده، به علت برخورد غیرموجه عوامل نظام عدالت کیفری دچار آسیب‌های مهمی می‌شود که بزه‌دیدگی ثانویه نام دارد. این نوع از بزه‌دیدگی معمولاً به دلیل رفتار ناشایست و قهرآمیز مراجع انتظامی و قضایی به وجود می‌آید.

کنند. لذا رقم سیاه یا مخفی^۱ (عددی که نسبت بین بزهکاری حقیقی و بزهکاری قانونی یا قضایی را نشان می‌دهد) در چنین جرایمی بسیار بالاست به طوری که باعث بی‌اعتباری آمار جنایی در این زمینه شده است. در این راستا برخی صاحب‌نظران، آمار جنایی را به یک کوه یخی در دریا تشبیه کرده‌اند که قاعده‌اش زیر آب، پنهان است و قله کوچک از آن پیداست و اگر ناخدای کشتی دستگاه‌های دقیقی در اختیار نداشته باشد فکر می‌کند که فقط توده شناور کوچکی در مقابل کشتی وجود دارد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۲۳۱). لذا انتقادی که به رویکرد سرزنش بزه‌دیدگان وارد است آن است که پس از مطالعه کنش متقابل مجرم و قربانی، بزه‌دیده ممکن است مورد سرزنش قرار گیرد و این امر می‌تواند زمینه‌هایی را برای سوءاستفاده و دفاع از مجرم فراهم آورد. همچنین گسترش این عمل باعث عدم تساوی جایگاه و منزلت مجرمان و قربانیان جرم می‌گردد.

به نظر نگارندگان برای احتراز از رقم سیاه بزهکاری در این قبیل جرایم، راهکارهای زیادی وجود دارد ولیکن با عنایت به اینکه مرجع انتظامی به عنوان عوامل دستگاه عدالت کیفری، نخستین مرجعی هستند که بزه‌دیدگان به آنها مراجعه می‌کنند، لذا برخورد مناسب ضابطان دادگستری، می‌تواند نقش بسزایی در پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه داشته باشند. این مهم نیز خود با روش‌ها و شیوه‌های مختلف قابل تحقق است که یکی از مهمترین آنها استفاده از ضابط زن در مواردی که بزه‌دیده زن است، می‌باشد. خوشبختانه در ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بدین نحو این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است: «بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.» شایان ذکر است اهمیت این موضوع در این قانون با ضمانت‌اجرایی که در ماده ۶۳ قانون مرقوم بیان شده است به وضوح قابل مشاهده است.^۲

۴-۱) زنان به عنوان بزه‌دیده محرک و پیش‌قدم در جرایم جنسی

در این زمینه برخی عوامل نقش مؤثری در محاسبات بزهکار بالقوه دارند. به طوری که برخی از عوامل نقش مؤثری در بزه‌دیدگی زنان در کلیه جرایم دارند^۳ که برخی از آنها عبارتند

1. Hidden Part of criminality - Dark Number

۲. ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد در صورتی که ضابطان از مقررات ماده ۴۲ این قانون تخطی و تخلف کنند، به سه ماه تا یک سال انفعال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

۳. در این راستا برخی نیز معتقدند «کشش جسمانی و روانی که به طور خودآگاه یا ناخودآگاه میان زن و مرد وجود دارد، فقط در مجرم وجود ندارد. این تمایل و سوسه‌آمیز بیشتر در دختران جوانی که با پسرها دوست می‌شوند یا در نقاط خطرناک و غیرمعمولی قدم می‌زنند که امکان ربودن آنها زیاد است، دیده می‌شود که بدین ترتیب، به نوعی خود را در معرض

از: رفتارهایی که خطر یا فرصت بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد. مانند رفتارهای نسنجیده و وسوسه برانگیز بزه‌دیده که حاکی از دعوت یا ترغیب باشد؛ تسهیلاتی که خود بزه‌دیده آن را آگاهانه یا ناآگاهانه برای وقوع جرم فراهم می‌آورد، مانند حضور زنان در مکان‌های خلوت که احتمال بزه‌دیدگی آنان را زیاد می‌کند؛ همچنین صدور علایمی از سوی بزه‌دیده، مانند حرکات، اشارات و حالات خاص بدنی یا قرار گرفتن او در موقعیت‌های خاص همگی به نوعی در بزه‌دیدگی زنان در جرایم مختلف مؤثر است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

شافر^۱ نیز یکی به عنوان یکی از جرم‌شناسانی که در حوزه بزه‌دیده‌شناسی فعالیت نموده است. بزه‌دیدگان را بر اساس میزان مسئولیتشان در ارتکاب جرم به هفت دسته تقسیم کرده است که زنان بزه‌دیده در جرایم جنسی را می‌توان در دو دسته - بزه‌دیدگان محرک و پیش‌قدم- از این طبقه‌بندی قرار داد.^۲ براساس نظر شافر بزه‌دیدگان محرک در واقع افرادی هستند که با بروز رفتار یا حرکاتی موجب جلب توجه بزه‌کار به سوی خویش می‌شوند و به قول ژان پیناتل، مانند بره‌ای که گرگ را به سوی خود جلب می‌کنند رفتار می‌کنند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱، ۱۱۸). در رابطه با این گروه، شافر معتقد به تقسیم مسئولیت کیفری بین بزه‌کار و بزه‌دیده است. پس ضروری است، تا قسمتی از مسئولیت را بر عهده آنان قرار داد. زنانی که با انجام اعمال تحریک‌آمیز و بی‌احتیاطی و به روش‌های مختلف، از قبیل: محل کار یا فضای مجازی، اقدام به برقراری رابطه با بزه‌کاران بالقوه می‌نمایند، خود را در معرض بزه‌دیدگی جنسی قرار می‌دهند که از این حیث قابل سرزنش و تا حدودی مسئول هستند. به عنوان نمونه می‌توان به موردی اشاره کرد که در آن تردد نیمه‌عریان زن در حیاط منزلش در حالی که از دیده شدن خودش توسط مردان غریبه مطلع بوده و اسباب تحریک جنسی بزه‌کار و تسهیل در وقوع جرم تجاوز به عنف را فراهم آورده و نهایتاً منتهی به قتل وی توسط بزه‌کار شد.^۳

حملات جنسی قرار می‌دهند» (ابراهامسن، ۱۳۷۱: ۲۲۵).

1. Schaefer

۲. پنج دسته دیگر از بزه‌دیدگان در این طبقه بندی عبارتند از: ۱- بزه‌دیده بدون رابطه با بزه‌کار ۲- بزه‌دیده دارای مشکلات بیولوژیکی و فیزیکی ۳- بزه‌دیده دارای مشکلات اجتماعی ۴- خود بزه‌دیده ۵- بزه‌دیدگان سیاسی (نجفی ابرند آبادی، ۸۷-۱۳۸۶: ۲۶۴۵-۲۶۴۶).

۳. در این پرونده بزه‌کار ضمن اعتراف به ارتکاب تجاوز و قتل در خصوص انگیزه قتل اظهار داشت که وی مدتی قبل در همان ساختمان نیمه‌کاره مشغول به کار بوده و در اثر تردد مکرر آن زن در حیاط منزل به صورت نیمه‌عریان تحریک شده است و در یک فرصت مناسب به قصد تجاوز وارد منزل گردیده و در نهایت، به خاطر شکستن مقاومت وی او را در حین تجاوز به قتل رسانده است (پرویزی، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

۲) نقش جنسیت مؤنث در پیشگیری از جرایم جنسی

برای مقابله با جرایم جنسی نیز از گذشته‌های دور تا مدت‌ها، کیفر به عنوان تنها راهکار مبارزه علیه بزهکاری (از جمله جرائم جنسی) شناخته و به کار گرفته می‌شد. این در حالی است که امروزه با تکوین علوم جرم‌شناختی و دانش پیشگیری، شیوه‌های کیفری و سرکوبگر، صرفاً نوعی مبارزه با معلول و بسیار کم‌تأثیر ارزیابی می‌شود و در مقابل به روش‌های غیرکیفری مانند تدابیر اجتماعی بازدارنده، با از بین بردن زمینه‌ها و موقعیت‌های جرم‌زا و راهبردهای فرهنگی توجه بیشتری می‌شود. لذا همانطور که زنان به عنوان یکی از طرفین جرایم جنسی می‌توانند نقش تکوینی در تحقق این جرایم داشته باشند، با رعایت برخی مسائل و اتخاذ تدابیر منتهی به شکل‌گیری نمادهای پیشگیرانه، نقش عمده‌ای داشته باشند. در ادامه به برخی از مواردی که رعایت آنها می‌تواند در پیشگیری از بزه‌دیدگی جرایم جنسی مؤثر باشد، اشاره شده است.

۲-۱) اصلاح سبک و شیوه زندگی

نظریه سبک زندگی یکی از اولین تلاش‌ها برای تبیین بزه‌دیدگی کیفری است (Meier & Meithe, 1993: 459-499). این نظریه به گات فردسن^۱ و هیندلانگ^۲ منسوب است و در پی بررسی این موضوع است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیش از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند. مطابق این دیدگاه، آنان بر این باورند که جرم، یک واقعه اتفاقی نیست. بلکه بزه‌دیدگی بر اساس سبک زندگی افراد و رفتار و کردار آنان در زندگی متغیر است. نوع زندگی افراد نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آنها دارد زیرا هر قدر فعالیت‌های شغلی، تفریحی و اوقات فراغت وی در خارج از خانه بیشتر باشد، در دسترس‌تر و در نتیجه بیشتر در معرض بزه‌دیدگی جنسی قرار خواهد گرفت. بدین سان، این نظریه، توزیع نامنظم بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی را در زمان و مکان، بر حسب تفاوت شیوه زندگی آنان، تبیین می‌کند. برای نمونه مجرد زیستن، زیاده روی در نوشیدن مشروبات الکلی، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، معاشرت با مردان جوان، رفت و آمد شب‌هنگام به اماکن عمومی و زندگی در شهرهای بزرگ از شیوه‌های زندگی است که نرخ بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی را بالا می‌برد (Gottfredson, 1984: 31).

همچنین شیوه و سبک زندگی افراد ممکن است در تولد اندیشه مجرمانه و سپس در

1. Gottfredson
2. Hindelang

فرآیند فعلیت بخشیدن به این اندیشه، از طریق تسریع فرآیند ارتکاب جرم و در نتیجه بزه‌دیدگی و تحریک بزه‌کار مؤثر باشد. رفتارهای جرم‌زا و پُرخطر در جرایم جنسی، می‌تواند در نتیجه رعایت نکردن پوشش صحیح و تحریک مرتکبان ناآشنا باشد و هم می‌تواند ناشی از دوستی‌ها و ارتباط‌های نامتعارف در محیط‌های کاری و تحصیلی با افراد آشنا باشد که این ارتباط زمانی که با آن جذابیت و بروز همراه باشد، خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد. بنابراین، هرچه زنان با اشخاص بزه‌کار یا محیط‌های مجرمانه و خطرناک و زمان‌های پُرخطر بیشتر رفت و آمد کنند میزان بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند.

البته در تحلیل مصادیق موجود در این زمینه باید دقت لازم را بکار گرفت چرا که در بسیاری از موارد شاهد آن هستیم که برخی با تحلیل سطحی از مسائل، صرفاً رفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده را عامل اصلی وقوع برخی جرایم جنسی می‌دانند. به عنوان نمونه برخی تحلیل‌گران و مفسران علوم مختلف در بیان علت وقوع حادثه تأسّف‌بار خمینی شهر اصفهان^۱ رفتارها و تفریحات نامتعارف بزه‌دیدگان را عامل اصلی تحقق این واقعه می‌دانند. و را به شدت جلب کرده بود. نگارندگان در این زمینه معتقدند اینکه در این حادثه صرفاً بزه‌دیدگان را مقصر وقوع چنین حادثه‌ای بدانیم، باید قائل به این باشیم که هیچ زنی حتی در منزل و در حضور همسرش نباید به گونه‌ای پوشش داشته باشد که موجب تحریک دیگران شود چرا که احتمال اینکه از یک گوشه‌ای فردی وی را مشاهده کند و موجب بروز چنین وقایعی بشود، هست.

اغلب جانیان خطرناک، که برخی از آنها همان مجرمین جنسی می‌باشند کسانی هستند که خانواده‌ای تشکیل نداده و مجرد زندگی می‌کنند؛ بنابراین متأهل بودن به طور کلی از عوامل بازدارنده جنایی است و در کاهش جرم و یا لااقل در پیشگیری از بروز برخی از انواع جرائم جنسی مؤثر است (کی‌نیا، ۱۳۸۲: ۷۵۸). در این راستا «تحقیقات متعددی ارتباط میان مجرد و افزایش سن دختران و پسران را با بزه‌کاری‌های جنسی آنان به اثبات رسانده است؛ دقت در آمار جرائم جنسی این مطلب را می‌رساند که بیشتر زنان و مردان مجرم جنسی مجرد هستند و کمتر دیده شده زنی که به خانواده و بچه و شوهر مشغول بوده است مرتکب جرم شده باشد، بنابراین هر قدر میزان ازدواج بالا رود، آثار جرائم زنان کاهش می‌یابد و با افزایش افراد و زنان مجرد میزان جرائم و انحرافات جنسی زنان و مردان بالا می‌رود» (حجازی، ۱۳۴۱: ۱۲۲). از اینرو

۱. در این حادثه ۱۴ نفر که شامل ۶ زن و ۸ مرد که در سنین ۲۳ تا ۲۹ سال بودند. بزه‌دیدگان این عمل مجرمانه به واسطه اینکه با صدای بلند مشغول تفریحات نامتعارف خود بودند، توجه دو جوان حاضر در باغ مجاور جلب شده و به همراه ۱۲ نفر از دوستان خود و با پوشاندن صورت‌های خویش به باغ حمله کرده و مردها را در اتاقی حبس کرده و زنها را به مکان دیگر منتقل و مورد تجاوز قرار می‌دهند.

حمایت دولت از جوانان در راستای تشکیل خانواده و فراهم کردن امر ازدواج برای آنان از طریق رفع موانع و مشکلاتی که مانع از تشکیل خانواده می‌گردد، می‌تواند از میزان جرائم جنسی بکاهد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، خانواده به عنوان «واحد بنیادین جامعه» به شمار آمده و از همین رو نظام اسلامی موظف شده است که در همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های خود به موضوع آسان کردن تشکیل خانواده توجه کند.^۱ همچنین قانون اساسی در اصل چهل و سوم در بند یک «امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» را به عنوان یکی از ضوابطی که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر پایه آن استوار گشته است را، مورد توجه قرار داده است. بی‌شک در جامعه‌ای که امکان ازدواج آسان برای همه افراد آن وجود نداشته باشد، لذا همواره عده‌ای وجود دارند که برای ارضای تمایلات جنسی خود به راهکارهای غیر شرعی و غیر قانونی روی آورند.^۲

۲-۲) تغییر نوع فعالیت روزانه

کوهن^۳ و فلسون^۴ این نظریه را برای تکمیل نظریه شیوه و سبک زندگی مطرح نمودند. این نظریه در مقام پاسخ به این پرسش است که چه عواملی تمایل به ارتکاب جرم را بیشتر می‌کند و موقعیت بزه‌دیده یا آماج جرم و یا آنچه که شرایط مشرف بر ارتکاب جرم می‌نامیم، در وقوع جرم مؤثر می‌باشد. براساس نظریه فعالیت روزانه؛ عمل مجرمانه به وقوع پیوسته و بزه‌دیدگی در ارتباط با طبیعت خصوصیات زندگی روزانه انسان است (الستی و حسن پور، ۱۳۸۵: ۲۶). بزهکاری و بزه‌دیدگی با تعامل‌های اجتماعی زنان در ارتباط است و همزمان با تغییر این تعامل‌ها و خصوصیات، نرخ جرایم علیه آنان نیز تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، همان متغیرهایی که فرصت‌های برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهد، فرصت‌های ارتکاب جرم را هم افزایش می‌دهد.

۱. اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین اشعار می‌دارد: «از آنجایی که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

۲. در بیان اهمیت این موضوع برخی معتقدند: «تشکیل خانواده بالضروره یک عامل ثبات و سازش اجتماعی است؛ زنان نیکو سیرت و پارسا، کانون خانوادگی را با حسن تدبیر و سلوک به کانون آسایش و سعادت و بهشت موعود برای همسر و فرزندان خود تبدیل می‌کنند.» (کی‌نیا، ۱۳۸۲: ۷۵۸)

3. Cohen

4. Felson

فعالیت‌های روزانه زنان شامل هر فعالیت اجتماعی معمولی است که آنان برای برآوردن نیازهای اساسی زندگی خود انجام می‌دهند. زنان، براساس فعالیت‌های روزمره خویش، آماج مناسبی برای بزه‌کاران هستند. بر همین اساس، برخی موقعیت‌ها، به دلیل نوع و میزان فعالیت اجتماعی برای وقوع جرم مناسب‌تر هستند. چراکه اجتماع، انباشته از مجرمین برانگیخته‌ای است که آماده ارتکاب جرم می‌باشند. از این رو، پایین بودن ایمنی و محافظت وسایل، اشیاء، آماج‌های مناسبی را برای دست‌یازیدن به ارتکاب جرایم توسط چنین مجرمین بالقوه فراهم می‌کند (گودرزی، ۱۳۷۹: ۳۳).

در نظریه فعالیت روزانه، ممکن است جرم در زندگی روزمره زنان ارتکاب پیدا کند و آنها بزه‌دیده اعمال مجرمانه شوند، اما آنچه که نیازمند توجه بیشتری می‌باشد این است که چه موقع جرم جنسی علیه آنان ارتکاب می‌یابد و چگونه در زندگی روزمره آنان جای می‌گیرد. از این منظر، زمانی جرایم جنسی به وقوع می‌پیوندد که شرایط سه گانه فوق الذکر مهیا باشند. بدین جهت، از یک طرف، زنان باید از تبدیل خود به آماجی جذاب برای بزه‌کاران جلوگیری نموده و از طرف دیگر، وجود محافظ‌هایی که می‌تواند در قالب اشخاص یا وسایل باشد، از قبیل: توجه همسایه‌ها، مراقبت والدین، سیاست‌های پیشگیری از جرم و مأموران گشت‌زنی، برای منصرف کردن اشخاص از رفتار مجرمانه به کار برده شوند تا از بزه‌دیده واقع شدن زنان پیشگیری به عمل آید. از همین رو، طبق نظر کوهن و فلسون، بزه‌دیدگی زمانی بیشتر می‌شود که محافظ‌های توانا کم باشند یا وجود نداشته باشند (Cohen & Felson, 1979: 588-608).

بدین‌سان، از یک طرف، الگوهای زندگی روزمره، افراد را از خانه و خانواده دور می‌کنند، تا جایی که بزه‌کاران، زنانی بدون محافظ کارآمد را پیدا می‌کنند و از طرف دیگر، کاهش اجتماعات سنتی، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی را که باعث محافظت کارآمد می‌شوند، تضعیف می‌کند (پیز، ۱۳۸۳: ۱۲۹). از این رو، سیاست‌گذاران جنایی در هر جامعه باید بدین موضوع در خصوص بزه‌دیدگی زنان در حوزه جرایم جنسی توجه نمایند و با افزایش نظارت‌های رسمی، آگاهی رسانی به مردم در جهت انجام نظارت‌های غیررسمی و استفاده از روش‌های پیشگیری وضعی از جرم^۱ که رهیافت جدیدی است که سعی دارد با اتکاء بر این جنبه یا ضلع از مثلث اشاره شده، یعنی آماج جرم یا بزه‌دیده، به تبیین پیشگیری از جرم بپردازد تلاش خود را در راستای کم کردن بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی به کار گیرند.

۱. در خصوص تکنیک‌های پیشگیری از جرم رجوع کنید به: (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۲۸).

۲-۳) بازنگری در برخی معاشرت‌ها و روابط

انسان بنا به فطرت خود در سراسر زندگی خویش میل به رفاقت و دوستی دارد. رفقا و دوستان نه تنها با هم انس می‌گیرند بلکه هر شخصی با توجه به درجه دوستی و صمیمیتی که با هم دارند می‌توانند در امور مادی و معنوی دوستان خود نفوذ کرده و دانسته یا نادانسته روی عقاید و اخلاق و رفتار دیگری تأثیر گذارند. تأثیر دوست و همنشین در جهت مثبت و منفی تأثیری شگفت است، زیرا نفس انسان‌ها در پی رفاقت و معاشرت، بر یکدیگر نفوذ می‌کند و خوی و خصلت یکی به دیگری سرایت می‌کند، خواه موضوع سرایت نیکویی و درستی باشد و خواه سرایت پلیدی و تبه‌کاری (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰). تأثیر پذیری جوانان به ویژه جوانانی که تازه به بلوغ رسیده‌اند از دوستان و همسالان خود بسیار بیشتر است. لذا انتخاب دوست و معاشرت با همسالان خود، در به انحراف کشیده شدن فرد به ویژه انحرافات جنسی، بسیار مهم و از مسایل حیاتی می‌باشد. چه آنکه مهمترین دغدغه جوان در این دوران بلوغ او بوده و به دنبال برخی پرسش‌ها و سوالات در این خصوص می‌باشد که اگر دوستان وی از افراد منحرف و ناباب باشند بی‌شک از آنها تأثیر خواهد پذیرفت.

در این میان والدین باید با همه وجود تلاش نمایند معاشران خوبی برای فرزندان خود انتخاب کنند. این امر دو فایده برای آنها خواهد داشت، اولاً اینکه فرزندانشان ناخودآگاه کمالات معاشرت با افراد خوب را اقتباس کرده و به نیکی گرایش پیدا می‌کنند و دیگر اینکه از معاشرت با افراد فاسد و آلوده برکنار مانده و از آفت‌های زشت آنها مصون خواهند ماند. در اهمیت نقش دوست و معاشر، همین بس که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ویلتی لیتی لم اتخذ فلاناً خلیلاً»، در روز رستاخیز اهل جهنم و عذاب به خود می‌گویند «وای بر من، کاش فلان کس را به عنوان دوست بر نمی‌گزیدم» منظور این است که ایشان سرمایه‌های ایمانی خود را دوست فاسد و آلوده خود می‌داند و کسی که او را گمراه نموده است دوست ایشان بوده است و این نشان از تأثیرپذیری دوست است. تأثیری که دوست بر فرد می‌گذارد قابل مقایسه با راهنمای و اندرز پدران و مادران نیست. از نظر جرم‌شناسی نیز، نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند اشاره به همین معاشرت‌ها و دوستی‌ها دارد.

تکیه اصلی نظریه ساترلند نیز این است که افراد به این علت کج‌رفتار و منحرف می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی آنها است. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۸). هر چقدر فرد با افراد و دوستان فاسد و انحرافی معاشرت داشته باشد، بیشتر در

معرض انحراف و تبهکاری قرار می‌گیرد و از آنها تأثیر پذیرفته، خرده فرهنگ‌های آنها را قبول می‌کند و نهایتاً مجرم و منحرف بار می‌آید. در سنین بلوغ احتیاج به داشتن دوست و رفیق، شدید و فوق العاده است. زیرا آنها هم محرم راز می‌شوند و هم امنیت خاطر برای نوجوان ایجاد می‌کنند. در این سنین یکی از مسائلی که بحث می‌شود مسأله جنسی است، که گاه اطلاعات گمراه‌کننده که دوستان در اختیار هم قرار می‌دهند، زمینه انحراف جنسی را فراهم می‌آورد. دوست بد و تبهکار میل به فساد و تباهی را در آدمی تقویت می‌کند و انسان را در مسیر سقوط و شقاوت یاری می‌کند.

از این رو والدین باید توجه داشته باشند که دوستی‌ها و همنشینی‌ها امری حساب شده باشد و فرزندان‌شان با کسانی رفاقت و دوستی نمایند که شایسته‌ی آن باشند. اهمیت انتخاب دوست و معاشرت تا جایی است که حضرت علی (ع)، پیامبر و سایر ائمه در توصیه بر فرزندان‌شان در انتخاب آن و شناخت وی تأکید فراوان نموده‌اند.^۱ این همه تأکید برای آن است که تأثیرپذیری انسان در رفاقت و معاشرت بسیار زیاد است و دوستی‌ها و رفاقت‌های حساب نشده می‌تواند نتایج تلخ و مصائب سنگین در پی داشته باشد. بدین ترتیب لازم است والدین این امر را که یکی از مسائل مهم تربیتی می‌باشد، به ویژه در دوران بلوغ، برای فرزندان خود جدی بگیرند.

۴-۲) پیشبینی مسئولیت برای بزه‌دیده بی‌احتیاط

همانطور که اشاره شد شیوه زیستن افراد می‌تواند آنان را بیشتر در معرض تهاجم قرار دهد و بزه‌دیده نیز می‌تواند با حذف موقعیت‌های جرم‌زا، تا حدود زیادی از این امر پیشگیری نماید، لذا اقدامات خود مراقبتی آنان را می‌توان با الگوی شیوه زندگی و فعالیت روزانه وی نیز پیوند داد. از این رو، ویژگی‌های ظاهری زنان و عدم پوشش مناسب که زمینه جلب توجه بزهکاران را فراهم می‌آورد، حضور در مکان‌هایی ناشناخته و خلوت بدون همراه، تردد در مکان‌های خلوتی که امکان دسترسی به پلیس یا کمک دیگران بسیار پایین است، سوار شدن در اتومبیل-های ناشناس و خلوت بدون همراه، معاشرت با مردان جوان، اعتماد به افراد غریبه و رفت و آمدهای شبانه نمونه‌های بارزی از علل بزه‌دیدگی زنان در جرایم جنسی است که قبلاً هم به آنها اشاره شد و از دیدگاه پیشگیری از جرم قابل ملاحظه می‌باشند.

همچنین در دسترس بودن زنان به عنوان آماج‌های اصلی جرایم جنسی و ایجاد تحریک و یا پیش‌قدم شدن آنان که در بردارنده رضایت ظاهری‌شان می‌باشد و تمایل به برقراری رابطه با

۱. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰: ۹۹-۱۳۷).

افراد ناشناس یا ایجاد شرایطی که انگیزه کافی برای تجاوز بزهکاران ایجاد می‌کند، عامل قربانی شدن آنان است. این وضعیت که باید از آن به «بزه‌پذیری» یاد کرد، در کشورهایی که روسپیگری در آنها جرم به شمار می‌آید، عامل عمده خشونت جنسی علیه زنان به شمار می‌آید (السان، ۱۳۸۵: ۱۵۸-۱۵۹). لذا دستگاه عدالت کیفری می‌تواند، به جای حمایت از این دسته از بزه‌دیدگان، از بزهکارانی حمایت کند که اگر آنان را تحریک نمی‌کردند، چه بسا جرمی واقع نمی‌شد. در این راستا، این رویکرد می‌تواند به پیشگیری از جرم کمک کند. زیرا، زنان در می‌یابند که اگر باعث تحریک بزهکار شوند، از حمایت کیفری کمتری برخوردار خواهند شد.^۱

در این زمینه شافر در سال ۱۹۶۸ مطالعات وسیعی در مورد مسئولیت کارکردی^۲ انجام داد. او کنش‌ها و تعامل‌های میان بزهکار و بزه‌دیده را پیش از ارتکاب جرم، در جریان ارتکاب جرم و پس از آن مورد بررسی قرار داد در نظریه مسئولیت کارکردی، آحاد جامعه دارای نقشی کارکردی در پیشگیری از گزینشی هستند که به خطا و تجاوز می‌انجامد و نقش بزه‌دیده جلوگیری از بزه‌دیدگی خود می‌باشد. بر این اساس شافر غفلت و نقش شتاب‌دهنده بزه‌دیده را در وقوع جرم مؤثر می‌داند. از طرف دیگر، بزه‌دیده‌شناسی به دنبال پیشبرد تدابیری است که بتواند از خطرهای احتمالی ناظر به بعضی افراد که در وضعیت‌ها و موقعیت‌هایی، آمیج‌های مناسبی برای بزهکاران محسوب می‌شوند، پیشگیری کنند (پیکا، ۱۳۸۹: ۵۱). از این رو، می‌توان میان پیشگیری از جرم و مسئولیت کارکردی، پیوند ایجاد کرد.

عدم حمایت کیفری یا تقلیل آن، گذشته از اینکه خود نوعی تنبیه و مجازات برای کوتاهی و بی‌احتیاطی بزه‌دیدگان محسوب می‌شود، سهم مؤثری در خود ایمن‌سازی آنان داشته و افراد را به پیشگیری از بزه‌دیدگی سوق می‌دهد. بدین ترتیب، زنان باید اقدامات و مراقبت‌های لازم را در جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی خویش در جرایم جنسی انجام دهند. به عنوان نمونه بدحجابی یکی از انحراف‌هایی می‌باشد که به خاطر خطرناکی بالقوه‌ای که دارد در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. این‌گونه جرایم که از آنها به عنوان «جرایم مانع»^۳ یاد می‌شود، با فلسفه پیشگیری از سایر جرایم در مجموعه قوانین رسوخ می‌کنند. بدین

۱. شایان ذکر است در برخی کشورها از جمله انگلستان افرادی که از این وضع اجتناب نکنند، بعضاً خود مجرم محسوب می‌شوند (معمدی مهر، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

2. Functional responsibility

۳. جرایم مانع (accessory offences)، جرایمی هستند که فرد را در آستانه جرایم اصلی قرار می‌دهند و خطر بالقوه آنان زیاد است.

ترتیب، از آنجا که نوع پوشش زنان می‌تواند در وقوع این دسته از جرایم نقش بسزایی داشته باشد، لذا جرم انگاری بدحجابی از این منظر ضرورتی است که منتفع اصلی آن خود زنان خواهند بود، زیرا موجب پیشگیری از این گونه جرایم علیه ایشان می‌باشد. این رویکرد در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به نوعی پذیرفته شده است و قانونگذار با توجه به نقش بزه‌دیده و اثرگذاری او در ارتکاب جرم، با جرم‌انگاری بدحجابی از نقش مهم پیشگیری از بزه‌دیدگی که بدپوششی از مصداق‌های بارز آن می‌باشد غفلت نورزیده است.^۱

پذیرش این ادعا که در جرایم جنسی، جذابیت زدایی از قربانی جرم، آسیب‌پذیری او را کمتر می‌کند، چندان مشکل نیست. چرا که در فرآیند انتخاب قربانی در این دسته از جرایم، ویژگی‌های ظاهری قربانی مورد توجه جدی بزهکار قرار می‌گیرد. ارتکاب جرایم جنسی در بسیاری از موارد در چهارچوب رویکرد عرضه و تقاضا و گزینش عاقلانه، که از جمله رویکردهای تبیین جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی می‌باشد، قابل تحلیل است. به عبارتی دیگر در اینجا بزهکار به نقش آفرینی بزه‌دیده در جریان انحراف و کجروی صحنه می‌گذارد (صفار دستگردی، ۱۳۸۲: ۹۸). لذا می‌توان در این جا از رفتارهای پُرخطر و جرم‌زای بزه‌دیده و نقش آن در بالا بردن انگیزه مجرمانه مرتکب سخن گفت که پرهیز از آن، شخص را از دایره انتخاب قربانی توسط بزهکار خارج یا احتمال آن را کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

جرائم جنسی از جمله جرایمی است که میزان قابل توجهی از جرایم کشورها را به خود اختصاص می‌دهد و هیچ کشوری نمی‌تواند خود را عاری از این جرم بداند. علت‌یابی جرایم و مبارزه مؤثر و مطلوب با جرایم مختلف همواره یکی از دغدغه‌های علوم جنایی خصوصاً جرم‌شناسی بوده است. برای پیشگیری و مقابله با هر جرمی نیاز هست تا ابتدائاً عوامل مؤثر در تکوین و شکل‌گیری آن جرم شناسایی شود و سپس جهت کاهش وقوع جرم مورد مطالعه، تدابیر و راهکارهای متناسب ارائه شود.

برای این منظور نگارندگان با طرح دو سؤال اصلی در زمینه نقش جنسیت مؤنث در ارتکاب و پیشگیری از جرایم جنسی را مورد بررسی قرار دادند که در مقام پاسخگویی به سؤال نخست مبنی بر چگونگی نقش زنان در ارتکاب و تکوین جرایم جنسی می‌توان گفت، بی‌احتیاطی‌ها و

۱. مطابق تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

بی‌مبالاتی‌های زنان در مراودات و رفتارهای خود می‌تواند موجبات بزه‌دیدگی در جرایم جنسی را فراهم کنند، به طوری که می‌توان از آنها تحت عنوان بزه‌دیده محرک یا پیش‌قدم و عامل تسریع‌کننده بزه‌دیدگی و یا حتی عاملی قابل سرزنش و مقصر در تکوین جرایم جنسی و بزه‌دیده شدن خود نام برد.

همچنین در خصوص سؤال دوم این پژوهش مبنی بر نقش زنان در پیشگیری از جرایم جنسی نیز می‌توان اذعان کرد که کمی تدبیر و تأمل می‌تواند، زنان و رفتارهای آنان را به عنوان یک مانع بزرگ در تحقق جرایم جنسی تبدیل کند. البته دستیابی به این مهم مستلزم آگاهی زنان از وضعیت‌های پرخطر و روش‌های اجتناب از آن می‌باشد. تغییر در مدل سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه، جذابیت‌زدایی و کاهش وسایل تحریک‌آمیز و از بین بردن عواملی که موجب تحریک و تشویق بزه‌کاران بالقوه می‌گردد، از مهم‌ترین اقداماتی است که آسیب‌پذیری زنان را در این زمینه کاهش می‌دهد. از این رو، به لحاظ اینکه جرایم جنسی بیشتر در قالب عرضه و تقاضا و گزینش عقلانی بزه‌کاران بالقوه صورت می‌گیرد، لذا زنان می‌توانند با اجتناب از رفتارهایی که امکان بزه‌دیدگی آنان را زیاد می‌کند، خود را از دایره انتخاب بزه‌کاران بالقوه خارج و یا احتمال آن را کاهش دهند.

بدین ترتیب، پس از بررسی این موضوع، نتایج زیر به دست می‌آید: توجه سیاست‌گذاران تقنینی، قضایی و اجرایی به نقش مؤثر زنان بزه‌دیده در فرآیند فعلیت یافتن پدیده مجرمانه به عنوان یک عنصر فعال در جرایم جنسی و گسترش مرزهای اقدامات پیشگیرانه به آنان؛ انجام آموزش‌های لازم در راستای خارج نمودن زنان از موقعیت بزه‌پذیری، با دشوار نمودن فرآیند ارتکاب جرایم جنسی؛ شناسایی مکان‌های جرم‌خیز و اطلاع‌رسانی به زنان جهت مراقبت در رفت و آمد به آن مکان‌ها؛ شناسایی زنانی که مستعد بزه‌دیده واقع شدن در جرایم جنسی هستند و مراقبت‌های لازم از آنان و ترویج فرهنگ خودایمن‌سازی؛ بازنگری زنان نسبت به برخی معاشرت‌ها و دوستی‌هایی که احتمال بزه‌دیده واقع شدن زنان در آن روابط هست؛ تسهیل امر ازدواج و فراهم آوردن امکان تشکیل خانواده برای جوانان؛ پیش‌بینی ساز و کارهای قانونی در جهت تخفیف کیفر بزه‌کاران به منظور حمایت کمتر از زنانی که در بزه‌دیده واقع شدن خود در زمینه جرایم جنسی، نقش اساسی ایفاء می‌کنند که خود این موضوع می‌تواند موجب پیشگیری کیفری از ارتکاب این دسته از جرایم شود.

منابع

الف) فارسی

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیشگیری. جلد اول، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵). «جرم‌شناسی خشونت علیه زنان». فصلنامه رفاه اجتماعی. سال پنجم، شماره ۲۱.
- الستی، س. و حسن پور، م. (۱۳۸۵). «بزه دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه دیدگی». ماهنامه دادرسی. سال دهم، شماره ۵۶.
- پرادل، ژان. (۱۳۹۰). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- پرویزی، رضا. (۱۳۷۹). *پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل*. تهران: معاونت آموزش ناجا، اداره کل پژوهش و تألیفات.
- پیز، کن (۱۳۸۳). «جایگاه پیشگیری نخستین از جرم در انگلستان». ترجمه مهدی صبوری‌پور، مجله حقوقی دادگستری. شماره ۴۷.
- پیکا، جرج. (۱۳۹۰). *جرم‌شناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- جوان جعفری ع. و شاهیده ف. (۱۳۹۲). «رفتار و گفتار تحریک آمیز بزه دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران». فصلنامه آموزه های حقوق کیفری. دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۵.
- حجازی، قدیسه. (۱۳۴۱). *بررسی جرائم زن و مرد در ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- دادبان ح. و آقایی س. (۱۳۸۸). «بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم». فصلنامه حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۹، شماره ۳.
- دانشور ثانی ر. و انوری کاظم آباد آ. (۱۳۹۳). «تحلیل حقوقی جرم مزاحمت نسبت به بانوان در ایران». پژوهشنامه فقه اسلامی و مبانی حقوق. سال ۲ شماره ۲.
- داوودی، هما (۱۳۸۸). «بزه دیده شناسی زنان و زمینه‌های مؤثر در کاهش جرایم». فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). سال چهاردهم، شماره ۵۰.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۰). *سیری در تربیت اسلامی*. تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ چهارم.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). *بزه دیده در فرآیند کیفری*. تهران: نشر خط سوم، چاپ

اول.

- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی (تحولات بزه‌دیده‌شناسی و علوم جنایی)*. جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳). «تجاوز و بزه‌دیدگی زنان». فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان. سال ششم، شماره ۲۳.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجرویی، مجموعه مطالعات کجرویی و کنترل اجتماعی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- صادقی فسایی، س. و میرحسینی، ز. (۱۳۹۰). «قربانی‌شناسی، راهی به سوی افزایش احساس امنیت اجتماعی». فصلنامه پژوهش اجتماعی. ویژه نامه پاییز.
- صدیق سروسرستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- صفار دستگردی، مهدی (۱۳۸۲). «بدحجابی در نگرش جامعه‌شناختی». فصلنامه کتاب زنان. شماره ۲۲.
- صفاری، علی (۱۳۸۰). «مبانی پیشگیری از وقوع جرم». مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۳۳ و ۳۴.
- صفری، ص. و جوادی هدایت آباد، م. (۱۳۹۱). «حمایت‌های بایسته از زنان به عنوان اقشار بالقوه آسیب‌پذیرتر». دو فصلنامه مطالعات پلیس زن. سال ششم، شماره ۱۷.
- فاضلیان، پوراندخت (۱۳۸۹). «بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران». پژوهشنامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال اول، شماره دوم.
- کرامتی، مهری (۱۳۸۲). *حجاب از دیدگاه شهروندان تهرانی*. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. سال اول، شماره ۱.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۶). *روان‌شناسی جنایی*. جلد دوم، تهران: نشر رشد، چاپ اول.
- گودرزی، محمدرضا (۱۳۷۹). «بزه‌دیده‌شناسی، پیدایش، تحول دیدگاه‌های نوین». نشریه امنیت. چهارم، شماره ۱۷ و ۱۸.
- لیز، ژرار و فیلیزولا، ژینا. (۱۳۷۹). *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*. ترجمه روالدین کرد علیوند و احمد احمدی، تهران: نشر مجد، چاپ اول.
- معتمدی مهر، مهدی. (۱۳۸۰). *حمایت از زنان در برابر خشونت*. تهران: نشر زیتون، چاپ



اول.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۲). «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی». مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی. سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۸۷-۱۳۸۶). *تقریرات درس جرم شناسی، بزه دیده شناسی علت شناختی*. دانشگاه شهید بهشتی، دوره کارشناسی، نیم سال دوم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین. (۱۳۸۳). *تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- ولیدی، محمد صالح. (۱۳۸۶). *حقوق جزای اختصاصی؛ جرائم علیه عفت*. تهران: نشر امیر کبیر، چاپ سوم.
- ویلیامز، کاترین (۱۳۸۴). «روش زندگی و تأثیر گذاری بزه دیده بر وقوع جرم». ترجمه دکتر علی صفاری، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۴۱.

ب) لاتین

- Cohen, Lawrence and Felson, Marcus, "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activities Approach," *American Sociological Review* 44, 1979.
- Fattah, E.A., "understanding criminal victimization", Mc millan press, Canada, 1991.
- George, W.H. and Martinez, L.J., *Victim Blaming in Rape: Effect of Victims and Perpetrator Race, Type of Rape, and Participant Racism.*, *Psychology of Women Quarterly*, 26 (2), 2002.
- Gottfredson. M., *Victims of crime: the dimensions of risk*, Home Office Research Study. No.81, London: HMSO, 1984.
- Johnes. S., *Understanding Violent Crime*, open university press, first pub, UK, 2000.
- Meier, Robert F. and Terance D. Miethe, "Understanding Theories of Criminal Victimization", *Crime and Justice* 17, 1993.